

## بانکداری در بحران



گفت‌وگوی ماهنامه «اقتصاد ایران»، با دکتر حسنعلی قنبری، مدیر عامل بانک سپه، در رابطه با اثرات بحران جهانی بر نظام بانکداری کشور

**اقتصاد ایران:** به رغم عدم ارتباط تنگاتنگ نظام بانکی کشور با سیستم بانکی بین‌المللی، راه‌های مستقیم و غیرمستقیم اثرپذیری سیستم بانکی ایران را از بحران‌های اخیر جهان چگونه می‌بینید؟

تبعات منفی بروز بحران‌های مالی در یک کشور، منحصر به آن کشور نبوده و ویژگی بارز بحران‌های مالی در ابعاد وسیع، سرایت سریع آن به سایر کشورها است. سیستم بانکی کشور ما به صورت مستقیم و غیرمستقیم از بحران مالی اخیر تأثیر می‌پذیرد. از مهمترین راه‌های مستقیم انتقال بحران به سیستم بانکی، می‌توان به محدود شدن امکان سرمایه‌گذاری ذخیره ارزی و کاهش بازدهی آنها و همچنین کاهش امکان اخذ خطوط اعتباری از خارج اشاره کرد.

اثرپذیری سیستم بانکی از بحران‌های اخیر، محدود و منحصر به اثرات مستقیم آن نبوده و کانال‌هایی که سیستم بانکی را به صورت غیرمستقیم متأثر می‌کند، گسترده‌تر است. یکی از بزرگترین اثرات منفی بحران اخیر، وقوع رکود در سطح بین‌المللی و کاهش جهانی قیمت نفت است. با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، کاهش این درآمدها دولت را دچار کسری بودجه خواهد کرد و از آنجایی که عموماً رویکرد دولت‌ها در ایران برای جبران کسری بودجه، استقراض از نظام بانکی کشور است، لذا یکی از تبعات این بحران، افزایش فشار دولت به سیستم بانکی و افزایش مجدد بدهی دولت به بانک‌ها خواهد بود. در این زمینه، دولت باید برای جلوگیری از وقوع این مسأله، با صرفه‌جویی و رعایت انضباط مالی، مخارج خود را کاهش داده و با حذف هزینه‌های اضافی، اولویت خود را به موارد ضروری معطوف نماید.

تأثیر دیگر بحران جهانی اخیر، کاهش میزان صادرات غیرنفتی و تولیدات داخلی است. در این حالت، تولیدکنندگان و صادرکنندگانی که از بانک‌ها تسهیلات گرفته و عمده منابع مورد نیاز خود را از سیستم بانکی تأمین کرده‌اند، در بازپرداخت تسهیلات دچار مشکل می‌شوند که این مسأله، افزایش مطالبات معوق بانک‌ها را در پی خواهد داشت. یکی از اقداماتی که دولت می‌تواند برای پیشگیری از وقوع این امر انجام دهد، مدیریت مناسب ذخایر ارزی و منابع موجود در حساب ذخیره ارزی است. در این زمینه، دولت می‌تواند با مدیریت صحیح و نظارت کامل، با تخصیص منابع لازم از طریق سیستم بانکی، نسبت به

حمایت و تقویت بخش تولید اقدام کند تا ضمن جلوگیری از تعطیلی و ورشکستگی بنگاه‌های تولیدی، این بنگاه‌ها بتوانند با تغییر رویکرد تولیدات به سمت بازارهای داخلی، به فعالیتشان ادامه دهند تا قادر به بازپرداخت بدهی خود به سیستم بانکی شوند. از دیگر آثار این بحران، می‌توان به کاهش قیمت‌های بین‌المللی فلزات و کانی‌ها، کاهش بازدهی شرکت‌های پتروشیمی و به تبع آن، کاهش ارزش سهام و سودآوری برخی از شرکت‌ها که در این حیطه فعالیت می‌کنند اشاره نمود. نظر به این که چنین شرکت‌هایی به سبب نیاز به سرمایه بالا، عمدتاً منابع مالی خود را از سیستم بانکی تأمین می‌کنند، لذا هرگونه اختلال در فعالیت‌های آنها، احتمال عدم بازپرداخت به موقع تسهیلات را از سوی شرکت‌های یاد شده به دنبال خواهد داشت. وقوع این امر، مشکلات عدیده‌ای را که در حال حاضر سیستم بانکی با آنها روبرو است، از جمله کسری نقدینگی یا افزایش حجم مطالبات معوق، دو چندان خواهد کرد. به طور خلاصه، چنانچه دولت بخواهد از طریق اتخاذ راهکارهایی از انتقال بحران به سیستم بانکی کشور جلوگیری نماید، می‌باید موارد زیر را مدنظر داشته باشد:

- (۱) رعایت انضباط مالی و اولویت دادن به ضرورت‌ها
- (۲) مدیریت مناسب ذخایر ارزی و منابع موجود در حساب ذخیره ارزی
- (۳) تلاش در جهت کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی
- (۴) اتخاذ سیاست تجارت مدیریت شده به منظور حمایت از تولیدات داخلی.

**اقتصاد ایران:** اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بحران مالی جهان بر نظام بانکی چه می‌باشند؟

یکی از اثرات کوتاه‌مدت بحران، کاهش اعتماد به سیستم بانکی است که به صورت خروج سپرده‌ها از بانک‌ها و یا حداقل عدم سپرده‌گذاری جدید در نظام بانکی بروز می‌کند. بر این اساس، بسیاری از دولت‌ها تلاش می‌کنند با تضمین سپرده‌های بانک‌ها، مانع خروج آنها توسط مردم از بانک‌ها شوند. یکی دیگر از آثار کوتاه‌مدت بحران، مربوط به نوسان قیمت ارز است که موجب افزایش ریسک اعتباری و ریسک نرخ ارز تسهیلات ارزی می‌شود. همچنین نوسان نرخ ارز می‌تواند دارایی‌های شعب خارج از کشور بانک‌ها را متأثر نماید.

آثار بلندمدت بحران بر نظام بانکی، به تأثیر منفی آن بر بخش واقعی اقتصاد مربوط می‌شود. رکود ناشی از بحران، منجر به کاهش صادرات کالا و خدمات می‌گردد. در این صورت، تولیدکنندگانی که محصولات خود را صادر می‌کردند، با از دست دادن بخشی از بازار فروش محصولات خود، متضرر خواهند شد. در چنین شرایطی، تولیدکنندگانی که از بنیه مالی قوی برخوردار نیستند، قادر به بازپرداخت تسهیلات دریافتی از بانک‌ها نبوده که این امر منجر به افزایش مطالبات معوق بانک‌ها خواهد شد.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که در هر دوره‌ای، پس از بروز بحران تمهیداتی اندیشیده می‌شود تا نقاط کور سیستم، شناسایی شده و با وضع قوانین جدید، مانع از بروز مجدد آن بحران شوند. بحران مذکور نیز که از برخی نارسایی‌ها در سیستم بانکی و مالی بروز کرده، مقامات بین‌المللی پولی را از قبیل صندوق بین‌المللی پول و کمیته بال - کمیته نظارت بر سیاست‌های پولی و بانکی - برآن داشته تا با رویکرد جدیدی به مدیریت ریسک بپردازند. از این رو، تدوین الزامات جدید بانکداری، تأکید بر مدیریت ریسک و پوشش نقاط کور سیستم، الزام به راه‌اندازی واحد تطبیق در بانک‌ها و تجدید ساختار بانک‌ها از مواردی هستند که پیش‌بینی می‌شود به آنها پرداخته شود.

**اقتصاد ایران:** در شرایط فعلی جهان که بازدهی سرمایه‌گذاری در غرب پایین آمده است، نظام بانکی ایران از چه طریقی می‌تواند به جذب سرمایه‌های خارجی بپردازد؟

جذب سرمایه، تابعی از ریسک و بازده است. در شرایط فعلی، بازدهی سرمایه‌گذاری در غرب پایین آمده و جذابیت ایران برای سرمایه‌گذاری از لحاظ بازده افزایش یافته است. اما نکته دیگری که باید به آن توجه شود، ریسک است که نظام بانکی باید به منظور جذب سرمایه‌های خارجی، آن را کاهش دهد. ریسک‌های قابل کنترل توسط نظام بانکی شامل بخش کوتاه‌مدت ریسک، مانند ریسک نرخ ارز و بخش بلندمدت ریسک که نیازمند اعمال سیاست‌ها و خط‌مشی‌های

## تأثیر بحران بر سیستم بانکی

## تهدید پول و سرمایه

مقتضی توسط مقامات پولی و دولت است، می‌باشد. در صورتی که از طرف دولت، سیاست‌هایی اعمال گردد که منجر به جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به برگشت اصل و فرع سرمایه آنها شود، فضا برای جذب سرمایه‌های خارجی توسط بانک‌ها نیز فراهم خواهد شد.

**اقتصاد ایران:** بانک‌ها - به طور خاص بانک سپه - چه اقداماتی را به منظور کاهش اثرات بحران مالی جهان انجام داده یا می‌توانند انجام دهند؟

به دلیل ارتباط محدود بازارهای مالی ایران با بازارهای مالی دنیا، اقتصاد ایران در بخش مالی کمترین تأثیرپذیری را از آثار بحران داشته، اما از طریق تأثیر بر بازار واقعی، بحران مالی به طور غیرمستقیم از طریق کانال‌های کاهش قیمت و میزان صادرات نفتی و غیرنفتی، کاهش شاخص بورس، کاهش ارزش قیمت کالاهای مصرفی و کاهش تولیدات داخلی، نظام بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. موارد فوق با تأثیر منفی بر قدرت بازپرداخت تسهیلات اعطایی شرکت‌هایی که از بانک‌ها وام اخذ نموده‌اند، مطالبات معوق بانک‌ها را افزایش می‌دهد. برای مواجهه با این امر، ضرورت دارد، بانک‌ها به منظور کاهش اثرات بحران بر منابع خود، بر مراحل اعطای تسهیلات، نظارت کافی داشته و مطالبات معوق را نیز به صورت اصولی مدیریت نمایند. در عین حال، برای جلوگیری از گسترده شدن دامنه رکود، تا آنجا که منابع اجازه می‌دهند از طریق اعطای تسهیلات نظارت شده، به بخش تولید یاری رسانند.

**اقتصاد ایران:** شعب بانکی مقیم خارج از کشور، تا چه اندازه در جذب سرمایه مؤثر می‌باشند؟

عمده مشتریان شعب بانکی خارج از کشور، ایرانیان مقیم خارج از کشور، شرکت‌ها و مؤسساتی هستند که با کشورمان روابط تجاری و بازرگانی دارند. شعب مذکور می‌توانند برای جمع‌آوری و جذب منابع سپرده‌ای این مشتریان وارد عمل شوند، زیرا در حال حاضر، وقوع بحران مالی بین‌المللی سبب شده تا مشتریان بانک‌های آمریکایی و اروپایی - به ویژه مشتریان بانک‌هایی که از بحران اخیر دچار ضرر و زیان شده‌اند - نسبت به سیستم بانکی اینگونه کشورها بی‌اعتماد شده و منابع و سرمایه‌های خود را از بانک‌های بحران زده خارج نمایند. در این راستا، نظر به این که سیستم بانکداری کشور از بحران اخیر، تأثیر چندانی نپذیرفته و از دید ایرانیان خارج از کشور، شعب ایرانی در مقایسه با بانک‌های بحران زده خارجی از قابلیت اعتماد بیشتری برخوردارند، در صورت به وجود آمدن اعتماد کافی نسبت به حفظ سرمایه آنها، این شعب می‌توانند با جلب اعتماد مشتریان، نسبت به جذب سرمایه‌های آنها اقدام نمایند.

**اقتصاد ایران:** متشکریم. ■

**لزم‌گرددش سرمایه در شرایط کنونی اقتصاد کشور، پیشگیری عواقب بحران را اجتناب ناپذیر می‌سازد.**

در سال‌های اخیر، دولت به منظور افزایش اشتغال و ایجاد رونق اقتصادی، سیستم بانکی کشور را ملزم به پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده نمود. از این رو، بانک‌های دولتی در رابطه با اعطای تسهیلات، علاوه بر این که باید پاسخگوی مشتریان خود باشند، لازم است منابعی را به تسهیلات تکلیفی و تأمین مالی بنگاه‌های زودبازده اختصاص دهند. از سوی دیگر، به دلیل پرداخت سودهای بالاتر بانک‌های خصوصی به سپرده‌ها، بانک‌های دولتی از لحاظ تأمین مالی در جذب منابع جدید با مشکل مواجه شدند که این امر به کسری نقدینگی آنها منجر شد.

## تأثیر بحران بر بازار سرمایه ایران

رکود ناشی از بحران، منجر به کاهش قیمت و میزان صادرات غیرنفتی شده و می‌تواند منجر به کاهش تولیدات داخلی شود، در این صورت ممکن است صادرکنندگان و تولیدکنندگانی که از بانک‌ها تسهیلات گرفته‌اند، در بازپرداخت آنها دچار وقفه شوند که این امر، مطالبات معوق بانک‌ها را افزایش می‌دهد.



با کاهش قیمت‌های بین‌المللی فلزات و کانی‌ها، بازرگانی پتروشیمی، فلزی و کانی کاهش یافته که با در نظر گرفتن ذخیره کاهش ارزش سهام از سوی شرکت‌های مذکور، سودآوری آنها کاهش خواهد یافت. با توجه به این که برخی از شرکت‌های یادشده، از سیستم بانکی تسهیلات دریافت کرده‌اند، در چنین شرایطی، احتمال عدم بازپرداخت به موقع تسهیلات از سوی آنان افزایش می‌یابد. لذا با افزایش مطالبات معوق، درآمد بانک‌ها کاهش یافته و همچنین اعطای تسهیلات جدید نیز با محدودیت مواجه خواهد شد. لذا مسایل فوق می‌تواند کمبود نقدینگی بانک‌ها را تشدید کند. بروز بحران، افزایش مطالبات معوق و افزایش محدودیت در اعطای تسهیلات جدید (از طریق کاهش تولیدات داخلی و آسیب‌پذیری بخش تولید داخلی) را به دنبال دارد.

غیرمستقیم آن از طریق کاهش سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، کاهش نقدینگی و کاهش رشد اقتصادی کشور، بر بازار سرمایه قابل تأمل است.

به منظور کاهش آثار منفی بحران بر بازار بورس تهران، توصیه‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود:

- اصلاح مقررات سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه با هدف استفاده از فرصت‌های ایجاد شده
- حذف عوارض صادراتی سیمان با هدف تشویق تولید
- اصلاح عوارض وارداتی محصولات فولادی با هدف حمایت از تولید داخلی
- امهال در پرداخت اقساط بلوک‌های واگذار شده
- صدور مجوز اوراق بهادار جدید توسط شورای بورس و اوراق بهادار در جهت تأمین مالی صنایع
- پرداخت تسهیلات به شرکت‌های بورسی، به منظور تکمیل طرح‌های توسعه و تأمین سرمایه در گردش. ■

اما تأثیر دیگر بحران، کاهش امکان استفاده از خطوط اعتباری به دلیل کمبود نقدینگی بانک‌های جهان است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که در

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که در